

# رویه های تمیزی راجع بقرار های مستنطق است

که توسط آقای منقح جمع آوری شده و عیناً درج میشود

## قرار های مستنطق

۳۰۴۱۱ - ۱۲۸۶ - ۴۹۴

هرگاه مستنطق در موضوع دعوی خیانت در امانت بعنوان عدم کفایت دلیل قرار منع تعقیب نسبت بمتهم صادر کند رد عرض حال استینافی مدعی خصوصی بعنوان عدم شمول مورد باماده (۱۷۱) اصول محاکمات جزائی باسناد اینک شکایت مدعی خصوصی از قرار مستنطق فقط برای مواردی تجویز شده که تضییع و تضییعی بحق او وارد نماید و مورد بر فرض اینکه دعوی مدعی خصوصی صاق بود و تعدی تقریبی از طرف امین بعمل آمده باشد با مراجعه بمحکمه حقوق استفاده حق شاکی مقدور است بر خلاف قانون و مورد نقض واقع میشود چه آنکه قرار مستنطق از لحاظ رای بعدم ثبوت عنوان خیانت در امانت مستلزم سلب حق مدعی خصوصی است از مراجعه بامین و باین ملاحظه ممکن است موجب تضییع حق مدعی خصوصی شود و مورد مشمول ماده ۱۷۱ قانون اصول محاکمات جزائی خواهد بود.

۱۶۱۱۱ - ۱۰۸۰ - ۳۲

هرگاه بموجب شکایت مدعی خصوصی قضیه در دایره استنطاق بجزایان افتد مستنطق قرار منع تعقیب صادر نماید و مدعی خصوصی از آن قرار استیناف بخواهد و محکمه استیناف بعنوان اینکه قرار مستنطق عه در نظر محکمه تضییع یا تضییعی نسبت بحق مستنطق نمی نماید و مستنطق در اظهارات خود علت تضییع و تضییعی بیان نکرده و بدین مناسبت اعتراض را غیر وارد دارند چنین قراری مورد نقض واقع میشود چه با فرض قابل شکایت جزائی بودن عمل منتسب بمشتکی عنه قرار مستنطق مستلزم سلب حقی از مدعی خصوصی خواهد بود و باین ملاحظه رد شکایت استینافی بدون اظهار نظر نسبت

بماهیت دعوی مخالف اصول محاکمه محسوب است.

۲۲۲۹۲ - ۵۲۶۹۰ - ۱۹۸

قرار محکمه استیناف مبنی بر فسخ قرار منع تعقیب صادر از طرف مستنطق قابل تمیز نیست و مفاد ماده (۱۷۱) قانون اصول محاکمات جزائی دائر بر محق نبودن متهم در اعتراض استینافی نسبت بقرار های مستنطق مگر در مورد قرار توقیف مؤید این نظریه است لهذا قبل از صدور حکم نهائی راجع باصل اتهام از محکمه صلاحیت دار موردی برای نقضای تمیزی از طرف متهم نخواهد بود.

۱۳۱۷۱۳ - ۱۷۱۸ - ۱۰۱۲۲

در مورد اختلاف بین مستنطق و مدعی العموم محکمه میتواند قطع نظر از جهت اختلاف نسبت به قضیه از هر وجهی رسیدگی کرده و اظهار نظر نماید.

۱۱ فروردین ۱۰۲۸۷ - ۲۸

مطابق ماده ۴ از مواد مصوبه وزیر عدلیه بموجب اختیارات حاصله از ماده واحده مصوب ۳۰ آبان و سوم آذر ۳۰۸ قرار صادر از دیوان جزای عمال دولت در نتیجه حدوث اختلاف بین مدعی العموم و مستنطق دیوان مزبور قابل تمیز نیست.

۱۱۸۱۱ - ۱۷۷۲ - ۱۱۶۱

مطابق قسمت اخیر ماده ۴ از مواد مصوب وزیر عدلیه مورخ ۶ آذر ماه ۱۳۰۸ در نتیجه اختیار حاصله از ماده واحده مصوب ۳۰ آبانماه ۳۰ مزبوره که بقوت خود باقی است و در مواد یازده گانه دیگر مصوب وزیر عدلیه ۱۰ اسفند ۱۳۱۰ نسخ شده قرار دیوان جزای عمال دولت مبنی بر حل اختلاف بین مدعی العموم و مستنطق دیوان مزبور راجع بصلاحیت محاکمه قابل تمیز نیست.

۳۴۲-۱۲۹-۱۱۳۳۲۸

در صورت صدور قرار کفالت از طرف مستنطق هرگاه متهم فاقد کفیل باشد و مستنطق امر بتوقیف او دهد این امر مشمول ماده ۱۷۱ از اصول محاکمات جزائی است و اصولاً نمیتوان بین امر توقیف متهم ابتدائاً و بتوقیف حاصل از نتیجه فقد کفیل از جهت قابل شکایت استینافی بودن فرق گذاشت بنا بر این هرگاه محکمه استیناف باستناد اینکه چون توقیف متهم باعتبار و استناد فقد کفیل بوده و قرار رد عرض حال متهم را صادر نماید قرار مزبور در دیوان تمیز نقض میشود.

۱۶۱۱۵۸-۱۱۳۲۴

هرگاه بین مدعی العموم و مستنطق در اصل دخالت متهم بجرم اتفاق حاصل شود ولی از حیث اصیل بودن در دخالت و با عنوان معاونت مابین آنها اختلاف شود بدین نحو که مستنطق متهم را اصیل و مدعی العموم و معاون تشخیص دهد حل اختلاف بمحکمه استیناف مراجعه خواهد شد و محکمه استیناف نمیتواند بعنوان آنکه چون قانون اختلاف بین مستنطق و مدعی العموم و صلاحیت محکمه استیناف برای رفع اختلاف منحصر است بمواردیکه مدعی العموم توقیف متهم را لازم بداند و مستنطق مخالفت نماید یا یکی جرم را جنحه و دیگری جنائی تشخیص دهد و یا یکی متهم را مقصود دیگری بی تقصیر شمارد رسیدگی قضیه را از صلاحیت خود خارج داند چه آنکه عنوان دخالت در ارتکاب فعل بطور مباشرت از عمل و عنوان معاونت و مساعدت در واقع هر یک عمل جدا گانه نیست و باین مناسبت در حقیقت اختلاف در این مورد بین مدعی العموم و مستنطق در مباشرت و عدم مباشرت متهم است نسبت باصل عمل موضوع اتهام و مشمول ماده ۱۶۷ قانون اصول محاکمات جزائی خواهد بود و محکمه استیناف مرجع حل اختلاف خواهد بود.

۱۱۴۶-۱۱۴۵-۱۱۳۸۱۱۸

امر مستنطق باخذ کفیل از متهم و عجز او از معرفی کفیل بمنزله امر مستنطق بتوقیف او محسوب نمیشود و تا زمانیکه از طرف مستنطق یا مقامات صلاحیت دار دیگر سر بجا امر بتوقیف صادر نشود نمیتوان آن متهم را توقیف نمود و تسامح در مراقبت چنین متهمی مشمول ماده ۱۳۵ از قانون اصول محاکمات جزائی نمیکردد چه آنکه اساساً ماده مزبور ناظر است بمواردیکه متهم مطابق قانون توقیف شده باشد و مستنطق قرار آزادی او را از توقیف سابق بساددن کفیل صادر نماید و شامل چنین موردیکه اساساً قرار مستنطق مستند بامر و اقدام مقام صلاحیت دار نبوده نمیشود.

۱۲۶۶-۱۲۶۶-۷۳۷

قراری را که مستنطق بعنوان اخذ کفیل بتأدیه مبلغی صادر مینماید که در صورت فقدان شرط متهم در توقیف بماند بمنزله قرار توقیف محسوب و مشمول ماده ۱۷۱ اصول محاکمات جزائی بوده و باین نتیجه قابل شکایت استینافی خواهد بود.

۱۱۳۹-۱۱۳۷-۱۱۳۱۴

در صورتیکه عمل منتهی بمنتهی قابل تعقیب جزائی باشد و مستنطق در نتیجه شکایت مدعی خصوصی تحقیقات کرده و قرار منع تعقیب صادر نماید و مدعی خصوصی از آن قرار شکایت کند محکمه استیناف نمیتواند باستناد اینکه قرار مستنطق باعث تضییع و تضییق حق مدعی خصوصی نبوده و مشارالیه میتواند بموجب محتویات دوسیه استنظافی به محکمه حقوق مراجعه کند عرض حال استینافی او را رد نماید و بدینکه محکمه استیناف تکالیف است و ارجحیت دعوی شده و وجود یا عدم وجود موجبات تعقیب جزائی متهم را تشخیص دهد.